

EDITORIAL

طب مکمل، علم یا شبه علم؟ یک نقد تاریخی

Alternative Medicine, Science or Pseudoscience? A Historical Review

Arman Zargaran¹

1- Department of Traditional Pharmacy, School of Pharmacy and Research Office for the History of Persian Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Correspondence: Arman Zargaran; Deputy Editor in Chief, Journal of Research on History of Medicine.

zargarana@sums.ac.ir

آرمان زرگران^۱

۱- گروه داروسازی سنتی، دانشکده داروسازی و دفتر

مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی

شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: آرمان زرگران؛ قائم مقام سردبیر مجله

مطالعات تاریخ پزشکی

zargarana@sums.ac.ir

1- Firouzabadi, 2013.

چندی پیش کتابی تحت عنوان "علم، شبه علم؛ باور، حقیقت و خیال: نگاهی انتقادی به طب مکمل و جایگزین"^۱ توسط استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی فیروزآبادی منتشر شد که واکنش های انتقادی تندی را در میان طرفداران طب سنتی و اقبالی خوب در میان مخالفین آن یافت. با توجه به نظرات گوناگون در خصوص این کتاب، با مطالعه آن نکاتی وجود دارد که می بایست از نگاه تاریخی مورد نقد و بررسی قرار گیرد. لذا در این مجال به صورت مختصر به آن پرداخته می شود.

به طور کلی جان کلام کتاب پافشاری بر لزوم تایید هرگونه روش درمانی بر اساس مبانی علمی روز و کارآزمایی های بالینی است. بی شک این نوع از تفکر دغدغه تمامی کسانی است که به دور از هرگونه تعصبی به استفاده از فرصت های ممکن در درمان توسط طب سنتی اندیشیده و با نگاه علمی به دنبال یافتن درمان های جدید و کاهش آلام بیماران هستند. این نگاه بی شک توسط دانشجویان و متخصصین دست اندر کار طب و داروسازی سنتی نیز ستوده شده و مورد تایید است. اما در پرداخت و بیان این مطلب نکاتی قابل تامل در کتاب وجود دارد که می تواند از نقطه نظر تاریخی مورد نقد قرار گیرد.

نخست آن که از فحوای کلام نگارنده چنین بر می آید که پیشرفت و نگاه علمی در دانش پزشکی را تنها محدود به چند صد سال گذشته و آن هم تنها در دنیای غرب

دانسته است. چنانچه در صفحه نخست فصل اول کتاب زیر پا قراردادن تقدس جالینوس را به قرون متاخر در غرب نسبت داده و قائل به تحجر علمی طی قرون متمادی از زمان وی گشته است.² این در حالیست که رازی، دانشمند بزرگ ایرانی قرن دهم میلادی خود کتابی تحت عنوان "شکوکه علی جالینوس" را به رشته تحریر در آورده و بسیاری از مبانی مطرح شده توسط وی را مردود دانسته است.³ با نگاه به کتب پزشکان ایرانی و مسلمان طی قرون وسطی به این نکته پی می بریم که اصولاً نگارش کتب علمی آن ها - علی رغم نبود سازمان های نظارتی - کاملاً از روش علمی برخوردار بوده و ایشان در کتب خود عمدتاً ابتدا به نقل نظرات پیشینیان خود پرداخته و سپس به نقد و یا تایید آن ها و اعلام نظر نهایی خود می پرداختند. این نوع نگارش عمدتاً در کتب جامعی که امروزه تحت عنوان دایره المعارف پزشکی می توان یاد کرد بیشتر مشاهده می شود. این مهم با database های کنونی و یا نمایگانی چون PubMed قابل مقایسه است که حکیمان ایرانی دانش زمان خود را در یک دوره جامع جمع آوری نموده و یافته های خود را نیز به آن می افزودند. بدین سان دانشمندان بعدی به سهولت بیشتر یافته های خود را در پیشرفت دانش پزشکی به کار می انداخته اند.⁴ بررسی تنوع روش های پژوهشی و نگاه های متفاوت در میان دانشمندان ایرانی و مسلمان که گاه منجر به انتقاد های تندی میان ایشان می شده است، شاهدی بر عدم وجود تحجر علمی و نگاه کورکورانه است. همچنین نوآوری های بزرگ دانشمندان مسلمان در پیشرفت علم نشان از آزاد بودن ایشان در ارائه نظرات و تفکرات جدید داشته است.

دوم آنکه بسیاری از یافته های به ظاهر بدیع دانشمندان اروپایی که در این کتاب به آن ها اشاره شده است، در واقع قرن ها پیشتر توسط ایرانیان و مسلمانان گزارش شده و ایشان تنها آن را باز کشف نموده اند! از جمله این موارد می توان به کشف گردش خون، قرن ها پیش از هاروی توسط ابن نفیس و اخوینی (قرن دهم میلادی)⁵ و نیز توصیف حلقه ویلیس و کاربردهای آن توسط اخوینی و ابن سینا حداقل ۶ قرن پیش از توماس ویلیس اشاره کرد.^{6,7} ویا منصور شیازی را با کتاب مصور و جامع و حتی دقیق تر وی (از لحاظ محتوی) در آناتومی یک قرن پیش از وسالیوس، پدر آناتومی نامید.⁸ به نظر می رسد تشریح انسان در ایران از ادوار باستانی برخلاف دنیای غرب وجود داشته است. همچنین استفاده از گروه های گسترده بیماران در اثبات اثردهی دارو و حتی مدل سازی های حیوانی حداقل از طب دوران اسلامی ایران رواج داشته و اشارات بسیاری در کتب گوناگون در تایید و تحقیق راه کارهای درمانی وجود دارد. نمونه چنین مواردی را در تاریخ پزشکی بسیار می توان یافت و موارد ذکر شده تنها تعدادی مثال برای آن می باشد. همچنین تاکید نگارنده کتاب بر گفته دیوید ووتون مبنی بر اینکه "۲۴۰۰ بیمار باور داشتند که پزشکان به صلاح آن ها کتر می کنند. برای ۲۳۰۰ سال بیماران در اشتباه بودند."⁹ جای تردید دارد. این مهم با مقایسه شرایط اواخر دوران قرون وسطی با پزشکی نوین انجام شده و تعمیم آن به کل دوران تاریخ پزشکی و یا حتی ۲۴۰۰ سال آن! منصفانه نمی باشد.

بیشتر به نظر می رسد ایرادات وارد بر کتاب از دو منظر فوق معلول عدم آشنایی نگارنده با تاریخ پزشکی ایران و جهان اسلام بوده است. از این رو است که در کتاب هیچ جا به این بخش تمدنی جهان دانش بر نخورده و دوره های علمی ذکر شده به صورت جسته و گریخته دانش باستان در یونان و مصر، دوران تاریکی و تحجر دانش در غرب (قرون وسطی) و رستاخیز علمی در غرب طی قرون گذشته بر شمرده شده است. متأسفانه دستاوردهای علمی ایرانیان به علت عدم پژوهش در تاریخ پزشکی ایران طی دهه های اخیر مغفول مانده و حتی جامعه پزشکی ایران نیز از آن غافل و تنها یافته های غرب طی قرون گذشته را حرکت علمی می پندارند. این درحالیست که پرداختن به تاریخ پزشکی در راستای ایجاد انگیزه و نیروی حرکت ملی جامعه علمی دهه ها است مورد توجه جوامع پیشرو بوده و وجود مجلات تخصصی تاریخ پزشکی مشغول به فعالیت در اروپا و آمریکا که قدمت بسیاری از آن ها به بیش از قدمت قدیمی ترین مجله علمی ایران و حتی در یک مورد (ISIS) به یک قرن می رسد، نشان از توجه ایشان به کاربرد تاریخ در پزشکی و عقب ماندگی و غفلت فرهیختگان ما به این ضرورت مهم است. نتیجه این چنین غفلتی خالی بودن نگارش ها و قضاوت های ما از بخش مهمی از حقایق تاریخی و هویتی است. گرچه می توان امید داشت با نگاه مسئولان در سال های

- 2- Ibid: 21.
- 3- Karami T, n.d.
- 4- Zargaran et al, 2013.
- 5- Yarmohammadi et al (a), 2013.
- 6- Yarmohammadi et al (b), 2013.
- 7- Karimi et al, 2013.
- 8- Elgood C, 1952.
- 9- Firouzabadi, 2013: 222.



اخیر به اهمیت هویت در جامعه علمی و راه اندازی رشته تاریخ پزشکی و همچنین وجود مراکز پژوهشی نوپایی همچون دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران در شیراز، تا حدودی سعی در جبران این نقیصه بزرگ گردد.

سومین موضوع نوع نگاه به طب کل نگر (Holistic) به عنوان شبه علم است. یادآوری این موضوع مهم است که الگوی دانش در دنیای باستان و قرون وسطی بر پایه این نگرش بوده و دانش در آن زمان بر این تفکر استوار بوده است. لذا گرچه می توان این نوع نگاه را بر پایه علمی نقد کرد، اما نمی توان دستاوردهای علمی دانشمندان گذشته را که پایه و اساس دانش امروز است شبه علم نامید؛ بلکه آن اساس علم در زمان ایشان بوده است. تذکر این نکته جالب است که جمله مورد استفاده در صفحه ۲۲۸ و نیز پشت جلد کتاب "در حقیقت دو چیز بیشتر وجود ندارد. علم و عقیده. اولی زاینده دانش است و دومی آفریننده جهل است و نادانی"¹⁰ خود از زبان کسی است (بقراط) که به دانش کل نگر و طب اخلاقی معتقد بوده و عمل می نموده است. این مهم حتی در دگراندیشانی مانند پاراسلسوس نیز صادق است که با سوزاندن کتب اندیشمندان پیشین نقطه عطفی در کنار گذاردن طب گذشته به شمار می رود. به طریق مشابه اگر قرن ها بعد اساس و الگوی دانش تغییر یابد، الگوی امروزین را که یافته ها و دستاوردهای دانش امروز بر پایه آن شکل گرفته است نمی توان شبه علم نامید.

چهارم: گرچه بنا دارم در این متن تنها از جنبه تاریخی به نقد کتاب ارزشمند استاد فیروزآبادی بپردازم و وارد به مطالب عملی و درمانی نگردم، اما ذکر نکته ای نیز در این حیطه را لازم می دانم. گرچه نگارنده کتاب به طور مشخص در خصوص طب ایرانی سخن نگفته و انواع دیگری از طب مکمل را نقد کرده (که بعضا اینجانب نیز بر مبنای آن ها ایراداتی دارم)، اما توجه به این نکته در نقد هر شکل از درمان مکمل ضروری است که صرف غریب بودن و یا عدم تطبیق مکانیزم درمانی اشاره شده در آن طب با دانش امروز نمی تواند دلیلی بر رد یک راه درمانی باشد. بلکه همانطور که در کتاب نیز اشاره شده فقط اثبات کارآزمایی آن می تواند ملاک تصمیم گیری قرار گیرد. چرا که شاید انطباق دلیل اثر دهی آن راه درمانی با دانش امروز به علت ضعف علمی دانش روز و یا هر دلیل دیگری اکنون میسر نباشد. لذا در این مورد نیز مردود دانستن راه کارهای درمانی یک نگاه طبی تنها سوزاندن فرصت های جدید برای درمان است. لذا همانطور که پذیرفتن یک راه درمان سنتی فقط از طریق آزمودن علمی آن صحیح است، رد کردن آن نیز فقط و فقط پس از آزمودن علمی آن قابل انجام است. از سوی دیگر در کنار بسیاری آزمون های مورد نقد در حیطه طب های مکمل، کارآزمایی های بالینی موید اثردهی آن ها نیز انجام شده که در پیچه ای نوین به سوی درمان است، لذا نه، پذیرفتن بی قید و شرط مبنای طب های مکمل شایسته یک محقق است و نه، مردود دانستن کورکورانه و متعصبانه آن؛ بلکه یافتن راه کارهای درمانی قابل قبول از میان دستاوردهای گذشتگان و کنار گذاشتن راه کارهای مردود، بدون تعصب و مبتنی بر نگاه علمی روز رسالت دانش پژوهان و متخصصین این امر است.

در پایان با توجه به رسالت مجله در حوزه تاریخ پزشکی، در این مجال سعی بر آن شد تنها از دیدگاه تاریخی نکاتی چند در مورد کتاب ذکر شود و بی شک نقد نکات بالینی آن مکانی دیگر می طلبد، همچنین مجله پذیرای هر گونه پاسخ و یا نظرات احتمالی جناب آقای دکتر فیروزآبادی برای چاپ در شماره آتی مجله *Research on History of Medicine* می باشد.

References

- Elgood C. *A medical history of Persia and the eastern caliphate*. London: Cambridge University Press, 1952.
- Firouzabadi A. [Elm, Shebh Elm]. Shiraz: Navid. 2013. [in Persian].
- Karami T. [Jalinus]. In: *Encyclopedia of the World of Islam*. [in Persian]. Available at: <http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4341>
- Karimi A, Zargarani A, Borhani-Haghighi A. Avicenna's description of Willis circle. *Int J Cardiol* 2013 May 2. [Epub ahead of print]
- Yarmohammadi H, Dalfardi B, Ghanizadeh A (b). Joveini (Al-Akha-



wayni) and the early knowledge on circle of Willis. *Int J Cardiol* 2013 Jul 19. doi: 10.1016/j.ijcard.2013.06.133.

Yarmohammadi H, Dalfardi B, Rezaian J, Ghanizadeh A (a). Al-Akawayni's description of pulmonary circulation. *Int J Cardiol* 2013 Jul 25. doi: 10.1016/j.ijcard.2013.07.040.

Zargaran A, Vessal K. from *Rete Mirabelle* to Willis circle, historical progress of medicine. *Int J Cardiol* 2013 [In press]. doi: 10.1016/j.ijcard.2013.08.069

